

# آینه‌ی هزار تکه

www.ketab.ir

ترانه (کوثره) مؤمنی

سرشناسه : مومنی، ترانه، ۱۳۶۳ -  
 عنوان و نام پدیدآور : آینه ای هزار تکه / ترانه (کوثره) مومنی.  
 مشخصات نشر : رشت: نشر بلور، ۱۳۹۰.  
 مشخصات ظاهری : ۶۴ص.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۸۲-۴۲-۴  
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
 موضوع : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴  
 رده بندی کنگره : PIR ۸۲۸۳/۶۸۵۸۱۹ ۱۳۹۰:  
 رده بندی دیویی : ۸۴۳/۶۲:  
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۴۳۶۷۳

## آینه‌ی هزار تکه

ترانه مؤمنی  
 انتشارات بلور  
 نوبت چاپ: اول  
 سال انتشار: ۱۳۹۰  
 امور فنی: مؤسسه ساقی  
 چاپ و صحافی: چاپ زیتون  
 شمارگان: ۱۰۰۱  
 قیمت: ۲۱۰۰ تومان

نشانی: رشت، خیابان امام خمینی، کوی آفتاب، جنب مسجد، انتشارات بلور  
 همراه: ۰۹۱۲۱۹۷۵۱۲۳ فکس: ۲۲۵۴۶۱۷ تلفن: ۲۲۴۵۵۷۵ - ۰۱۳۱

Email: boloor.publications@gmail.com

با سپاس از یاری گاه و بی‌گاه پیر واژه‌ها هوشنگ عباسی.

و لازم می‌دانم که مراتب سپاس ام را به دوست و مشوق همیشگی ام آقای  
ساسان تبسمی؛ مترجم نام‌آشنا، که این کتاب را ویراسته‌اند تقدیم کنم.

www.ketab.ir

## نقطه‌ای بر آغاز...

اکنون که کتاب خود را که شامل داستان‌های کوتاه می‌باشد می‌نگارم هنوز زنده‌ام، هستم و فکر می‌کنم و یا آنکه مدت هاست دست از ستیز با زندگی برداشته‌ام و شور و حیات زندگی اندک اندک از من رخت برمی‌بندد آن هم در عنفوان جوانی، لیک هنوز با تمام بی‌فردایی‌ها، روزنه‌ای هر چند کوچک از بودن، در سلول سلول وجودم مرا بر آن می‌دارد که به تنها چیزی که برایم باقی مانده و فرسایش هر روزه روح را ساده تر می‌کند، دل خوش کنم. چرا که ما نوشتن و نویسنده و شاعر شدن را بر نمی‌گزینیم و تنها عده‌ای انتخاب می‌شوند، برای نوشتن، پرده برداشتن از سرپوش‌های بی‌مرهم جان و روح و یا انتقال نشاط و شوری که همیشه گذرا بوده و هست.

اما آنچه که حائز اهمیت است این عادت- نوشتن و خواندن و باز نوشتن و نوشتن- در واپسین لحظه‌های سقوط مرا بر آن داشت که از سایش اعصاب بکاهم و با تمام درگیریهای متداول در میان آشنایان و دایره‌های دولتی و کاری، انگیزه‌ای برای بودن داشته باشم. چه بسا ناظر واپسین روزهای زندگی خویشانم بوده‌ام و ناگزیر از بودن... علی‌رغم تمام ترس‌های دلهره‌آور و

تنهایی روز افزون باز بارها خواسته‌ام و تلاش کرده‌ام که کلاف سر در گم حقیقت زندگی را به دست گیرم و به موازات تمام این سختیها و زندگی در شهری که جز غربت و غریبی ارمغان دیگری برایم نداشت به این آگاهی و احساس دست یافته‌ام که می‌توان در ورای سیاهی‌ها، روزنه‌ای از جنس عمیق عشق، عشق به هم نوع، به طبیعت، به آزادی (رهایی) ... پیدا کرد. و زنده‌گی شاید آزمونی ست برای، و حال، من این اثر هر چند ناچیز را تقدیم می‌کنم به تمام انسان‌هایی که در زندگی آزاده‌اند و آزادگی را پیشه کرده‌اند و با تمام سرخوردگی‌ها و ترس‌های دلهره آور و رنجش‌هایی که روح شان را می‌ساید هنوز متعهدند و پای بند به رؤیاهای شان و آنان که با تنهایی مقدس شان خلوت می‌کنند.

## فهرست

|    |                          |
|----|--------------------------|
| ۱۱ | توهم                     |
| ۱۵ | ریخته در امواج           |
| ۱۹ | سیاه و سفید              |
| ۲۳ | بی چیزی هم چیزی است      |
| ۲۴ | آینه‌ی هزار تکه          |
| ۲۸ | گرگ و میش                |
| ۳۳ | غریق                     |
| ۳۶ | راه‌های شب               |
| ۴۰ | من هم می‌خواستم ولی      |
| ۵۰ | یک روز که باران می‌بارید |
| ۵۳ | پنج در تا آزادی          |
| ۵۹ | نقطه‌های رابطه           |